باسمه تعالی

در ابتدای جلسه خانم دکتر ایشانی ضمن عرض سلام و احترام به استادان فرهیخته و حاضرین بیان کردندکه امروز بیست و هفتمین کرسی ترویجی با رویکرد عرضه و نقد ایده علمی و با عنوان سیدجمال الدین اسدآبادی پایه گذار گفتمان فهم و تفسیر عصری قرآن کریم توسط سرکار خانم دکتر فروغ پارسا ارائه می‏گردد. مستحضرید که برگزاری کرسی های تخصصی نظریه پردازی، نقد و مناظره مستلزم دستیابی صاحبان کرسی ها به استاندارد های علمی مصوب هیئت حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره است. دستیابی به این استاندارد ها خود نیازمند تمرین و تجربه هم از جانب صاحبان کرسی ها و هم دستگاه های برگزار کننده است. از این رو برگزاری کرسی هایی تحت عنوان کرسی های ترویجی پیش بینی شده است.کرسی ترویجی به آن دسته از کرسی‏های آزاداندیشی مبتنی بر اخلاق و منطق اطلاق میشود که در جهت بسط فرهنگ گفتگو و نقد، با هدف گفتمان سازی فضای عقلانی در مراکز علمی و با رویکرد تبادل و تضارب آرا و افکار برگزار میشود. این کرسی ها اگرچه ممکن است از استاندارد های لازم برای برگزاری کرسی های علمی برخوردار نباشند اما با تبعیت از مقررات تعیین شده توسط کمیته دستگاهی گامی است در جهت نهادینه سازی فرهنگ نظریه پردازی، نقد و مناظره علمی و تمرین تجربه صاحبان اندیشه و نظر برای حضور عالمانه و مقتدرانه در کرسی های تخصصیِ علمی. کرسی های ترویجی به دوصورت برگزار می شود: ۱- مناظره ۲- عرضه و نقد علمی. مناظره به هرگونه مباحثه رو­در­رو و روشمند میان دو صاحب­نظرگفته می شود که به گونه­ای نقادانه دیدگاهها و نظرات یکدیگر را درباره موضوعی خاص به چالش می کشند تا در نهایت دیدگاه برتر به نحو مسالمت­آمیز تفوق یابد. اما کرسی های ترویجی، عرضه و نقده ایده علمی مانند کرسی امروز به هرگونه تلاش نوآورانه، روشمند و منطقی که هدف از آن ارزیابی و سنجش نقاط قوت و ضعف نظریه، نظر، مکتب، بینش، ایده به جهان جهت کمک به اصلاح و بهبود آن باشد گفته می شود. ساختار کرسی ترویجی امروز چنان که اشاره شد با رویکرد عرضه و نقد ایده علمی است. ارکان این نوع کرسی عبارتست از یک نفر ارائه دهنده ایده و یا نقد و دویا سه نفر ناقد که شخص ارائه دهنده موظف است افزون برپاسخ گویی به انتقادات ناقدین به پرسش های حاضران نیز پاسخ گوید و مدیر علمی موظف به مدیریت علمی جلسه، مدیریت پرسش و پاسخ حاضران در جلسه و ارائه خلاصه بحث می باشد. ناقدین این جلسه جناب آقای دکتر محسن قاسم پور و سرکار خانم دکتر فتحیه فتاحی زاده و مدیر علمی جلسه خانم مریم جزایری هستند. طبق برنامه زمانی خانم دکتر پارسا به مدت ۳۰ الی ۴۰ دقیقه به ارائه ایده خود می‏پردازند و سپس هر یک از ناقدان به نقد و نظر خویش راجع به این ایده می‏پردازند و سپس دکتر پارسا به نقد ناقدان پاسخ می دهند. در اینجا با آرزوی توفیق از خانم دکتر پارسا ، مدیریت علمی جلسه را به خانم جزایری می سپارم.

سید جمال الدین اسدآبادی ( ۱۲۵۴/۱۸۳۸- ۱۳۱۴/۱۸۹۷) طلایه دار و پیشگام حرکت و جنبش احیای اندیشه های دینی در طی حیات سیاسی اجتماعی خود موفق شد تحول بی بدیلی در جهان اسلام ایجاد کند که این تحول بیش از هر چیز مبتنی بر آموزه های قرآن است. در واقع همه حرکت هایی که در سرزمین های اسلامی برای مبارزه با استبداد و استعمار شکل گرفت و به نتیجه رسید بر اساس گفتمان فهم و تفسیر عصری قرآن کریم است که در آستانه سده ۱۴ هجری از سوی سید جمال الدین اسدآبادی طرح شد. این گفتمان در آثار و فعالیتهای قرآنی شاگردان وی بکار گرفته شد و بتدریج الگوواره غالب در مطالعات تفسیری معاصر گردید.بحث اصلی این کرسی :تحلیل انتقادی گفتمان فهم و تفسیر عصری قرآن کریم

بحث های فرعی

1. معرفی و تبیین شخصیت علمی – سیاسی سید جمال الدین اسدآبادی و نقد و بررسی برخی دیدگاه ها نسبت به ایشان ( رد این ادعا که وی صرفاً یک سیاستمدار بوده است. )
2. رد این ادعا که وی به مردم اقبال نداشته و صرفا فعالیت دیپلماتیک و سیاسی داشته .
3. اولین شخصیتی بوده که بحث اسلام گرایی و اتحاد جهان اسلام را مطرح کرده
4. سید جمال پیشگام نظریه پردازی در حوزه تحول در جهان اسلام و گفتمان های اصلاحی است و کس دیگری را نباید با وی شریک دانست . شیخ محمد عبده ( د. ۱۹۰۵)گرچه نزدیک به سید بوده ولی فقط برخی از آراء و اندیشه های سید را دنباله روی کرده است.تمامی اندیشمندان و مصلحان و متفکران جهان عرب و دیگر سرزمین های اسلامی که در جنبش های آزادیخواهانه ایفای نقش کردند و آثاری تألیف نمودند( طه حسین (۱۸۸۹-۱۹۷۳) ، علی عبدالرزاق (۱۹۶۶-۱۸۸۸) حسن البنا (۱۹۰۶-۱۹۴۹) عبدالرحمن کواکبی ( ۱۲۶۶-۱۳۲۰) متأثر از اندیشه های سید بودند) همه متفکران مسلمان شبه قاره از سیداحمدخان (۱۸۱۷-۱۸۹۸) و مودودی(۱۹۰۳-۱۹۷۹) و ابوالکلام آزاد (۱۸۸۸-۱۹۵۸) که در مبارزات استقلال طلبانه هند سهیم بودند از سید جمال تاثیر گرفتند . در افغانستان و عثمانی هم وضع بهمین روال هست.رهبران جنبش ضد استبدادی و مشروطه خواهی در ایران از میرزای شیرازی گرفته تا میرزارضای کرمانی و نجم آبادی و ملکم خان و دیگران همگی از سید خط می گرفتند.

مطالعات اسلامی به طور اعم در حوزه عقاید ، فقه ، تاریخ و اخلاق و عرفان همگی مبتنی بر فهم و تفسیر آموزه های قرآن است. بر این اساس نظریه پردازی در حوزه تفسیر قرآن همواره بحث نو و روزهست. این نگاه که شرایط تاریخی و فرهنگی بر ذهنیت مفسر تأثیر می گذارد پیش از آن که بحث های هرمنوتیکی مدرن مطرح شود وجود داشته است چنان که برخی تفاسیر گرایش عرفانی دارند برخی فقهی برخی بلاغی هستند و برخی فلسفی مأب . و این بحث که کلام خدایتعالی معنا و مراد خاص و ویژه ای دارد و مفسر باید به دنبال و در پی آن معنای مراد باشد و لاغیر نیز همیشه در بین عالمان دینی مطرح است و چالش بین این دو دیدگاه امر کهنه شدنی نیست. با این توضیح بحث در باره نظریه های تفسیری بویژه این نظریه که تفسیر قرآن باید براساس مقتضیات عصر و زمان صورت گیرد مساله امروز ما هم هست بنابر این ضرورت دارد نگاه سید جمال الدین اسدآبادی مورد بازخوانی و تحلیل قرار بگیرد. این جستار در قالب کرسی ترویجی ، در صدد است بر اساس تحلیل انتقادی گفتمان به تحلیل شاخصه های گفتمان فهم و تفسیر عصری قرآن بپردازد.در تحلیل انتقادی گفتمان ، متن در نسبت با بافت های فرهنگی اجتماعی سیاسی تحلیل میشود .محقق نشان می دهد که شرایط اجتماعی و فرهنگی و تاریخی گفتمان ها را شکل می دهند و در مقابل گفتمان ها بر شرایط و ساختارهای اجتماعی تأثیر می گذارند. کنش گفتمانی ابعاد غیر گفتمانی جهان اجتماعی را به همان اندازه بازتولید کرده و تغییر می دهد که دیگر ابعاد جهان اجتماعی به گفتمان ها شکل می بخشد.در واقع گفتمان ها هم برآمده از خلال بافت تاریخ هستند و هم بافت های تاریخ را می سازند.هدف تحلیل انتقادی آشکار سازی این ارتباط پوشیده است. بحث اصلی این کرسی :تحلیل انتقادی گفتمان فهم و تفسیر عصری قرآن کریم

* گفتمان فهم و تفسیر عصری قرآن کریم حاصل کدام شرایط تاریخی - اجتماعی و فرهنگی است و در مقابل بر کدام شرایط تاثیر گذاشته است.

مؤلفه های بافت تاریخی گفتمان فهم و تفسیر عصری قرآن کریم

**مدرنیسم و پیامدهای فلسفی و معرفتی آن**

 حیات علمی سیاسی سید جمال الدین اسدآبادی ( یعنی ربع چهارم سده ۱۳ و اوایل سده ۱۴هجری قمری مقارن سده بيستم ميلادي و تحولات فلسفی ، علمي ، فرهنگي و سياسي در جهان است . در واقع مدرنيسم که از سده ۱۶ با زمینه های فلسفی خاص خود در غرب آغاز شده بود به کمک پیشرفت های علمی و گسترش فن آوری در اين دوره به اوج شكل گيري و تكامل خود رسيد. مؤلفه بنیادی فلسفه مدرنیسم را انسان باوری در مقابل خداباوری دانسته اند که به نوبه خود موجبات پیدایی فلسفه ها و مکاتب فکری مهم اگزیستانسیالیسم ، سوسیالیسم و ماترياليسم را فراهم کرد. قانون مداری ، دین گریزی ، آزادی خواهی ، برابری جنسیتی ، عدالت اجتماعی ، رفاه و جامعه بدون طبقه اقتصادی در شمار ایده ها و مطالبات مختلف این مکاتب بودند که در برخی کشورهای غربی در دسترس قرار گرفته بودند و در جاهای دیگر به نوبه خود حرکت ها و جنبش هایی را نیز بوجود آوردند . استعمار اگرچه پیشینه دیرینی دارد ولی استعمار در مفهوم نوین آن در سده‌های نوزدهم و بیستم اتفاق افتاد. کشورهای اروپایی که پس از انقلاب صنعتی، رشد اقتصادی بالایی پیدا کرده بودند برای تداوم توسعه اقتصادی متوجه منابع و ذخایر طبیعی در کشورهای آسیایی و آفریقایی شدند. در نتیجه از ربع آخر قرن نوزدهم، بسیاری از مناطقی که مسلمانان در آن زندگی می کردند در استعمار کشورهای اروپایی در آمد و یا صحنه کشمش های استعمارگران بود . استعمار در واقع همانا تفوق و سلطه غرب بر سرزمین های اسللمی و ذلت ، بردگی و فرودستی مسلمانان بود. در طی سده نوزدهم و بیستم بخشی از مسلمانان در مصر و تونس و الجزایر و مراکش و نیز هند درگیر مبارزه با استعمار دولتهای اروپایی و جنبش های استقلال طلبانه بودند. حکومت های ایران و عثمانی که به ظاهر مستقل بودند و در استعمار اروپاییان نبودند بشدت درگیر فساد و استبداد بودند و مسلمانان در آن نواحی اوضاع اقتصادی و اجتماعی نابسامانی داشتند. در واقع هیچ یک از سازو کار ها و مظاهر مدنیت مدرن در ایران و عثمانی شکل نگرفته بود. هیچ قانون و مرکز قانون گذاری برای فیصله امور اجتماعی مردم به جز ساختارهای سنّتی و قدیمی که عموماً تحت سلطه کارگذاران حکومتی بودند وجود نداشت. پادشاه و سلطان حاکم علی الاطلاق بودند و جنگ و صلح و حیات و ممات مردم که در عرف جاری و مکاتبات و مراسلات از آنها به رعیت تعبیر می شد در دست قدرت ایشان بود. در بسیاری موارد استبداد دینی به حمایت از استبداد سیاسی می پرداخت و اقتدار شاه را تقویت می کرد. در واقع برخی از عالمان دینی که در ساختار قدرت قرار داشتند و از امکانات مادی و معنوی خاصی استفاده می کردند در مواضع مختلف به تأیید و تقویت شاه و لزوم فرمانبرداری بی قید و شرط از شاه فتوا می دادند. جوامع اسلامی یعنی سرزمین هایی که سید جمال اسدآبادی در آن زندگی می کرد و رفت وآمد داشت علاوه بر مشکل استعمار خارجی و ظلم واستبداد داخلی از بیماری فقر و جهل و خرافه پرستی که معلول همان استعمار و استبداد بودند رنج می برد.سید جمال الدین حسینی اسدآبادی ( ۱۲۵۴/۱۸۳۸- ۱۳۱۴/۱۸۹۷) در خاندان اهل علم در اسدآباد همدان بدنیا آمد. از کودکی با قرآن آشنا شد و پس از تحصیلات ابتدایی در قزوین و تهران به نجف رفت و در کم تر از شانزده سالگی از شیخ مرتضی انصاریاجازه فتوا گرفت. نخستین سفر و شاید فعالیت سیاسی سید به توصیه­ی شیخ مرتضی انصاریدر سال ۱۲۷۰ ق. به هندوستان بود که در آنجا با استعمار بریتانیا و اوضاع نابسامان مسلمانان آشنا شد. سید جمال از آن پس تا پایان عمرش یعنی ۱۳۱۴ هجری قمری بیش از ۴۰ سال در سرزمین های مختلف در کنار مسلمانان هندوستان ، ایران و عثمانی و افغانستان و شهرهای دیگر زندگی کرد و با اقدامات مختلفی همچون موعظه و سخنرانی ، انتشار روزنامه، نگارش رساله و مقاله ، تأسیس مدرسه و حزب و ایجاد تشکیلات زیرزمینی به بیداری و بهبود اوضاع مردم همت گماشت و از هر گونه تلاش برای مبارزه با استبداد و استعمار فرو گذار نکرد. ارتباط با سران و پادشاهان ایران و عثمانی و مصر و افغانستان و نیز ارتباط با سیاستمداران روس و انگلیس و فرانسه به هر روی بخشی از تلاش وی برای شکست سیاستهای استعمارگران غربی و نجات مسلمانان بود. سید جمال در جریان این فعالیتها در کشورهای مختلف موفق شد شاگردان و هواداران ویژه ای را تربیت کند که آنها به نوبه خود در تحولات و حرکت های مختلف ضد استعماری و ضد استبدادی تأثیرگذار بودند. تمامی اندیشمندان و مصلحان و متفکران جهان عرب و دیگر سرزمین های اسلامی که در جنبش های آزادیخواهانه ایفای نقش کردند و آثاری تألیف نمودند( طه حسین (۱۸۸۹-۱۹۷۳) ، علی عبدالرزاق (۱۹۶۶-۱۸۸۸) حسن البنا (۱۹۰۶-۱۹۴۹) عبدالرحمن کواکبی ( ۱۲۶۶-۱۳۲۰) متأثر از اندیشه های سید بودند) همه متفکران مسلمان شبه قاره از سیداحمدخان (۱۸۱۷-۱۸۹۸) و مودودی(۱۹۰۳-۱۹۷۹) و ابوالکلام آزاد (۱۸۸۸-۱۹۵۸) که در مبارزات استقلال طلبانه هند سهیم بودند از سید جمال تاثیر گرفتند . در افغانستان و عثمانی هم وضع بهمین روال هست.رهبران جنبش ضد استبدادی و مشروطه خواهی در ایران از میرزای شیرازی گرفته تا میرزارضای کرمانی و نجم آبادی و ملکم خان و دیگران همگی از سید خط می گرفتند. در واقع این ایده که فعالیتها و ارتباطات سید جمال صرفاً با رهبران سیاسی بوده و به تعلیم و تربیت مردم اهمیت نمی داده نمی تواند واقعی باشد.سید جمال در صدد کسب قدرت سیاسی و منصب و مقام هم نبوده و سید در مواردی پیشنهادهای مختلف را رد کرده است. اقدام مهم و مؤثر دیگر سید جمال ، ارتباط با عالمان دینی در سرزمین های مختلف بود. در واقع سید تلاش می کرد روحانیت را نسبت به امور سیاسی و اجتماعی روز آگاه کند تا آنها بتوانند در مواضع مختلف تصمیم درست بگیرند. جنبش تحریم نتباکو و جنبش مشروطیت در ایران ، مبارزات ضد استعماری هند و مبارزات استقلال طلبانه در بسیاری از کشورهای عربی حاصل تلاش های سید جمال الدین است که متاسفانه خود وی شاهد به بار نشستن و پیروزی هیچ یک از این قیام ها نشد. برررسی خطابه ها ، سخنرانی ها و اسناد و آثار مکتوب سید جمال الدین اسدآبادینشان می دهد سید که از نزدیک پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی غرب را ملاحظه کرده بود و از عقب ماندگی و فلاکت مسلمانان بدلیل استعمار و استبداد رنج می برد باندیشهباز آفرینی مجد و شوکت اسلام و مسلمانان باین نتیجه رسید که تنها راه پیشرفت و ترقی مسلمانان بازگشت به آموزه ها و معارف قرآن كريم است. سید جمال الدین اسدآبادی اگرچه در طول حیات خود موفق به نگارش اثری در تفسیر قرآن نشد ، گفتمان ویژه ای برای تفسیر و فهم قرآن ارائه کرد که تا به امروز همچنان در حوزه مطالعات قرآنی مطرح است . در واقع سید جمال الدین اسدآبادی به مثابه یک عالم دینی که البته تعالیم و آموزش های سنّتی داشته در مواجهه با دنیای مدرن و امتیازات و مواهب آن باین اعتقاد رسید که آموزه های قرآن به هیچ روی با علوم جدید منافات ندارند و اتفاقاً اگر مسلمانان با سلاح عقل و علم به سراغ قرآن بروند و مشکلات اجتماعی و سیاسی خود را بر قرآن کریم عرضه کنند پاسخ و راه حلّ مناسبی پیدا می کنند.گفتمان فهم و تفسیر عصری قرآن که بعد از وی با عنوان گرایش تفسیر اجتماعی ، هدایی ، اصلاح دینی ، تمدنی و عقلانی از آن یاد شده دارای شاخص های ویژه ای است.

قرآن گرایی

مهم ترین شعار سید جمال در همه حال بازگشت به قرآن بود. سید می گوید :آري مادامي كه قرآن ميان مسلمانان قرائت مي شود و رهبر واقعي آن هاست و آن كتاب آسماني در همه ي امور زندگي مادي و معنوي راهنماي مسلمانان مي باشد و از موجوديت آن ها حمايت و از جوامع اسلامي دفاع مي كند و متجاوزين به حقوق مسلمين را منكوب مي سازد و از هر جهت راه و رسم پيشرفت و ترقي را به آنان نشان مي دهد، بقا و جاودانگي مسلمانان قطعي مي باشد. زيرا ما يقين داريم مسلمين با استفاده از تعاليم زنده و جاندار قرآن به مقام و موقعيت اوليه خويش دست خواهند يافت و با استفاده از زمان همه ي آن چه را كه از دست داده اند دوباره به دست خواهند آورد و در فنون رزم و مقابله با دشمن و دفاع از حقوق خويش بر ديگران سبقت خواهند گرفت تا موجوديت و استقلال خويش را بهتر حفظ كنند، ذلت و سرافكندگي را از خود، فنا و نابودي را از ملتشان دور سازند، چون همه ي كارها برگشتشان به خداوند توانا و يكتاست...» ( هادی خسروشاهی ، ۱۳۵۰: ۲۹)

۱-۱ - قرآن کتاب هدایت و قابل فهم برای همه اعصار

 سید جمال عقیده داشت که بعضی آیات قرآن مفسر بعض دیگر از این آیات است.وی می گوید :آیا خداوند به رمز صحبت کرده و خلق را از هدایت به قرآن منع فرمود استغفر الله قرآن کتاب خداست که برای هدایت و راهنمایی فرستاده شده و به زبان عربی ساده بیان فرموده .شفای درد گمراهی است و درمان مرض نادانی که وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ ﴿يونس‏، ۵۷﴾ رمز و اشاره در محکمات آیاتش نگفته ،واضح و صریح به زبانی که بدویان و اعراب و هر عربی دانی ملتفت شود نطق فرموده است . هرگز باطل به او نزدیک نشود و از هیچ سو باطل به او راه نیابد. لاَ يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لاَ مِنْ خَلْفِهِ ﴿فصلت‏، ۴۲﴾

۱-۲- قرآن تنها کتاب نجات بخش مسلمانان

سید جمال الدین بر این اعتقاد است که مدینه فاضله و صراط مستقیم سعادت بشری در راه قرآن است و می گوید این مایه ی کل سعادت انسانی امروزه از دیوان سعدی و حافظ شیرازی و مثنوی و ابن فارض کمتر محل اعتنا و اهتمام است.سید در این باره به آیه ۱۹ سوره مبارکه حشر استناد کرده و می گوید؛ پرودگار این سخن تو حق است که *فرمودی نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ ﴿الحشر، ۱۹﴾ تو را فراموش کردیم ، تو هم آیینه قلوب ما را از انعکاس توفیق حقایق ذکر مقدست محروم نمودی* و سعادت و شرافت ما را به ذلت و نکبت تبدیل فرمودی و یگانه راه علاج و نجات به این است که هر فردی از افراد مسلمانان بر طبق قرآن مجید طابق النعل بالنعل عمل نماید .

1. عقل گرایی و خرافه زدایی از دین

ﺳﻴﺪﺟﻤﺎل اﻟﺪﻳﻦ ، عقلگرایی را مهم ترین آموزه قرآن و نیز مهم ترین وسیله برای فهم قرآن می دانست . باعتقاد وی باید آموزه های دینی را از ﺧﺮاﻓـﺎﺗ و اوهامی که عموماً گریبان گیر ادیان می شود خالی نمود. چنان که می گوید : دﻳﻦ اﺳـﻼمﻳﮕﺎﻧﻪ دﻳﻨﻲ اﺳﺖﻛﻪ ذم اﻋﺘﻘﺎدﺑﻼدﻟﻴﻞ و اﺗﺒﺎعﻇﻨﻮن را ﻣﻲﻛﻨﺪ و ﺳﺮزﻧﺶﭘﻴﺮوي از روي ﻛﻮري را ﻣﻲﻧﻤﺎﻳﺪ و ﻣﻄﺎﻟﺒﺔﺑﺮﻫﺎن را در اﻣﻮرﺑﻪﻣﺘـﺪﻳﻨﻴﻦﻧﺸـﺎنﻣـﻲ دﻫـﺪ و در ﻫـﺮﺟـﺎﺧﻄﺎبﻋﻘﻞﻣﻲﻛﻨﺪ. وی در خطابه های خود تأکید کرده که؛ ﺑﺮايﻣﻄﺎﺑﻘﺖﺑﺎ وﺿﻌﻴﺖﻋﻠﻤﻲ دﻧﻴـﺎيﻣـﺪرنﺑﺎﻳـﺪ اﻋﺘﻘـﺎدات را ﺑـﻪﻣﺤﻚﻋﻘﻞﺳﻨﺠﻴﺪ و ﻛﻼمﺧﺪا را در ﺟﻬﺖ آزادي ﺳﻴﺎﺳﻲ و ﺑﻲﻧﻴﺎزي اﻗﺘﺼﺎدي و ﺣﻘـﻮقﺣﻘﺔ اﻧﺴﺎﻧﻲ آﻧﻬﺎﻓﻬﻤﻴﺪ. ﻣﺴﻠﻤﺎﻧﻲﻛﻪﺑﺪﻳﻨﺴﺎن از ﺑﻨﺪﺧﺮاﻓـﺎت و ﺗﻌﺼـﺐﻫـﺎيﻧـﺎروا رﻫـﺎﻣﻲﺷﻮد و ﺑﻪﺣﻘﺎﻳﻖ دﻳﻨﻲﺧﻮد آﮔﺎﻫﻲﻣﻲﻳﺎﺑﺪ و اﻣﻜﺎﻧﺎتﺟﺪﻳﺪ آﻧ ﺮا درﻣﻲﻳﺎﺑﺪ، ﻧـﻪ ﻓﻘـﻂﺗﻌﺪيﻏﻴﺮاﻧﺴﺎﻧﻲ را ﺑﻪﺷﺨﺼﻴﺖﺧﻮد ﻧﻤﻲﭘﺬﻳﺮد، ﺑﻠﻜﻪﻋﻤـﻼً ﺑـﺎ اﺗﺤـﺎد ﺑـﺎ ﺑـﺮادران دﻳﮕـﺮﻣﺴﻠﻤﺎنﺧﻮد ﺷﺎﺋﻖﻣـﻲﺷـﻮد و از اﻳـﻦ رﻫﮕـﺬر اﺳـﻼم را ﺑـﻪ ﻋـﺎﻟﻲﺗـﺮﻳﻦ درﺟـﻪ ﻗـﺪرتﻣﻲ رﺳﺎﻧﺪ در واقع سید تلاش می کرد با پیراستن دین اسلام از خرافات نشان دهد آموزه های قرآنی با ﻋﻘﻼﻧﻴــﺖ و ﻋﻠــﻢﻣــﺪرن سازگاری دارد.

* 1. کاربست دانش های نوین در تفسیر و فهم قرآن

راهکار عمده سید در فهم و تفسیر کاربست عقل و دانش های جدید در فهم قرآن بود. سید در یکی از مقالاتش با عنوان «لکچر در تعلیم و تربیت» می گوید:‏‏«... علم را حد وپایانی نیست و محسنات علم را نهایتی نیست و سلطان عالم ، علم است و بغیر از علم نه پادشاهی بوده است و نه هست و نه خواهد بود. ...........علماي ما در اين زمان علم را بر دو قسم کرده‌اند: يکي را مي‌گويند علم مسلمانان و ديگري را مي‌گويند علم فرنگ. ...و اين را نفهميدند که علم آن چيز شريفي است که به هيچ طائفه نسبت داده نمي‌شود و به چيزي شناخته نمي‌گردد، .. چه بسيار تعجب است که مسلمانان آن علومي را که به ارسطو منسوب است آن را به عنايت رغبت مي‌خوانند ... و‌اما اگر سخني به گاليلو و نيوتون و کپلر نسبت داده شود، آن را کفر مي‌انگارند! پدر و مادر علم، برهان است و دليل ،نه ارسطو است و نه گاليله ...... نزديک ترين دين‌ها به علوم و معارف، ديانت اسلاميه است و هيچ منافاتي در مبانه علوم و معارف و اساس‌هاي ديانت اسلاميه نيست.

1. توجه به کارکرد آموزه های اجتماعی قرآن کریم

۳-۱- تشویق مسلمانان به حرکت و فعالیت انقلابی

 سید جمال بیش از هر چیز بر کارکرد آیات قرآن در تشویق و ترغیب مردم به مبارزه و اهمیت مشارکت مردم در تغییرات اجتماعی تأکید می کرد.در شمار آیاتی که سید جمال در مقاله ای تحت عنوان " نوامیس خداوند در ملت ها و تطبیق آن بر مسلمانان" درروزنامه عروه الوثقی بدان استناد می کند آیه ۱۱ سوره رعد است که میفرماید:إِنَّاللَّهَلاَيُغَيِّرُمَابِقَوْمٍحَتَّىيُغَيِّرُوامَابِأَنْفُسِهِمْ﴿الرعد، ۱۱﴾ ، دریافت و تفسیر سید از این آیه آن است که خداوند امور هیچ قوم و مردمی را تغییر نمی دهد مگر این که خود آنها تغییر کنند یعنی خودشان برای این تغییر و اصلاح امور خودشان تلاش کنند. باید دانست پیش از سید جمال هیچگاه چنین تفسیری از این آیه دیده نشده است و در تفسیرهای پیشین از آیه تقریباً گفته می شد: اگر خداوند نعمتی را به قومی بدهد تا زمانی که ایشان شکر گذار باشند و عصیان و ستم نکنند آن نعمت را زایل نخواهد کرد. در ترجمه این آیه در کشف الاسرار آمده است:إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ» تغيير نكند و بنگرداند آنچه قومى دارند و در آن باشند از نيكويى حال، «حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ» تا ايشان تغيير كنند و بگردانند آنچه بر دست دارند ازنيكويى افعال. در حالی که پس از سید عموماً گفته اند:خداوند سرنوشت هيچ قوم (و ملّتى) را تغيير نمى‏دهد مگر آنكه آنان آنچه را در خودشان است تغيير دهند! وی می گوید:این آیه های کتاب حکیم است که ما را به راه حق و راست ،هدایت می کند و جز مردم گمراه کسی در آن شک روا نمی دارد. مگر خداوند وعده و وعید خود را خلاف می کند حال آنکه صادق ترین همه به وعده ی خود و توانا تر از همه ،به وعید خویش است؟ نشانه های وی تغییر ناپذیر است . و هیچ حکمی از احکام وی زایل نمی گردد. خداوند می فرماید:وَ لَقَدْ کَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ‌ ﴿الأنبياء، ۱۰۵﴾

۳-۲- مبارزه با استعمار و استقلال طلبی

سید در مقاله "رجال دولت و رازداران ملک چگونه باید باشند " در روزنامه العروﮤ الوثقی می گوید:

يَاأَيُّهَاالَّذِينَآمَنُوالاَتَتَّخِذُوابِطَانَةًمِنْدُونِکُمْلاَيَأْلُونَکُمْخَبَالاًوَدُّوامَاعَنِتُّمْقَدْبَدَتِالْبَغْضَاءُمِنْأَفْوَاهِهِمْوَمَاتُخْفِيصُدُورُهُمْأَکْبَرُقَدْبَيَّنَّالَکُمُالْآيَاتِإِنْکُنْتُمْتَعْقِلُونَ‌﴿آل‏عمران‏، ۱۱۸﴾ می گویند که شهرها و کشورها با برج های برافراشته و دژهای مستحکم و لشکریان جرار و اسلحه ی خوب محفوظ می ماند . می گویم آری اینها وسایل و آلاتی است که از عمل به آن در آنچه که شهرها را نگاه می دارد چاره نیست . لکن اینها به تنهایی کاری از پیش نمی برند مگر اینکه استعمال آن را مردمان صاحب خبره و صاحبان رأی و حکمت به دست گیرند . مردانی که به حقوق خود آشنا بوده و هیچ یک از کارهای آنان به دست بیگانه سپرده نشده باشد . اما لازم است که نسبت به حال امراء شرق و از میان آنان مخصوصا مسلمانان تأسف عمیق خورد که کارهای دیوان و اداره و دفاع را به بیگانگان سپرده و امور خودرا کلا تسلیم آنها کرده اند . و بلکه در دوستی و اعتماد به آنها تا حدی زیاده روی کردند که حتی آنان را سرپرست کارهای خصوصی خود در داخل خانه های خویش ساخته اند و نزدیک است که از مملکت خود به نفع آنها بگذرند . آیا وقت آن نرسیده که امراء،احکام خداوندی را که کم و کسری ندارد اطاعت کنند. ای امراء بزرگ، شما را با این کسانی که بیگانه از شمایند ، چکار . هَا أَنْتُمْ أُولاَءِ تُحِبُّونَهُمْ وَ لاَ يُحِبُّونَکُمْ ﴿آل‏عمران‏، ۱۱۹﴾ و زمانی که حال و قصد و منظور بیگانگان را دانستید و شکی در موردشان باقی نمانده إِنْ تَمْسَسْکُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَ إِنْ تُصِبْکُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا ﴿آل‏عمران‏، ۱۲۰﴾ بسوی فرزندان وطن های خویش و برادران دین و ملت خود بیایید.

چگونه یک مؤمن از غیر خدا می ترسد در حالی که خداوند می فرماید: فَلاَ تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونِ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ‌ ﴿آل‏عمران‏، ۱۷۵﴾ ما را چه شده که می بینیم بیگانگان کشور های ما را یک بار پس از بار دیگری مورد تهاجم قرار می دهند و بر یک دولت پس از دولت دیگری تسلط می گردند . و با آنکه مردم متصف به ایمان در هر سرزمینی ساکن اند ،در راه دفاع از دین غیرت از خود نشان نمی دهند و حمیت آنان ، بر انگیخته نمی شود. ای اهل قرآن تا همانند سلف صالح خویش با رعایه ی دور اندیشی در عمل ،قرآن را بر پای ندارید و آن را در همه ی اعمال خود پیشوا ،انتخاب نکنید و به آنچه که از اوامر و نواهی آمده،عمل نکنید چیزی به حساب نمی آیید. سید در مقالات روزنامه العروﮤ الوثقی با توجه به برخی آیات قرآن ، مردم هندوستان و سودان را به مقابله با استعمار انگلیس تشویق می نماید. [[1]](#footnote-1)در بخشی از این مقاله آمده است: چرا خود را در مرتبه ی پایین از دیگران می دانید ،مگر در خلقت با دشمنان خویش همانند نیستید. چگونه است که دشمن مال و جان خود را برای پیروزی به چیزی که در دست وی نیست به مخاطره می اندازد و چرا شما در حفظ آنچه که مال شما است ،جرأت و شهامت به خرج نمی دهید ؟ سخن بر سر دفاع از حیات و ضرورت های زندگی است . تا هنوزدر شما برتری و خصایل بزرگ موجود است و دین شما حمیت و غیرت بر دفع مصیبت را از شما دارد برپا خیزید. صاحب دین به آرزوی آن است که اعمال شما در راه نهضت اعلاء کلمه ی دین و نجات آن از چنگ دشمنان ،بر وی عرضه گردد.يَاأَيُّهَاالَّذِينَآمَنُواکُونُواأَنْصَارَاللَّهِ﴿الصف‏، ۱۴﴾وَ لاَ تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ‌ ﴿البقرة، ۲۰۸﴾ وَ لاَ تَهِنُوا وَ لاَ تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ‌ ﴿آل‏عمران‏، ۱۳۹﴾این نخستین بار در طی ۱۴ سده پس از نزول قرآن است که آیات شریفه با این رویکرد تفسیر می شوند.

۳-۳- اتحاد مسلمانان

سید در ارتباط با موضوع اتحاد اسلامی ،ابتدای مقاله خود در روزنامه العروﮤ الوثقی را با ذکر آیه۴۶ سوره مبارکه الأنفال آغاز می کند و می نویسد: وَأَطِيعُوااللَّهَوَرَسُولَهُوَلاَتَنَازَعُوافَتَفْشَلُواوَتَذْهَبَرِيحُکُمْ﴿الأنفال‏، ۴۶﴾ اتحاد و همبستگی جهت تقویه ولایت اسلامی ، از قویترین ارکان دیانت محمدی و عقیده به آن از ابتدایی ترین عقاید،در نزد مسلمانان است . مسلمانان در اتحاد محتاج چیزی نیستند ،جز اینکه نسبت به خطرهایی که ملت را عاید گردیده احساس مشترکی داشته و دلها را به هم پیوند بدهند . به نظر او عقیده ، مسلمان را متحد و قرآن ،آنان را جمع می کند. سید در ادامه سخن خود برای تحریک خواننده مقاله خود و تحریک مسلمانان به اتحاد می گوید : مگر مسلمانان نمی توانند که به امر دفاع و اقدام به آن طوری که سایر ملل به آن اتفاق کرده اند ،متحد گردند؟ مگر مشاعر آنان تخدیر شده که بعضی از آنها،احتیاجات بعضی دیگر را ،احساس نمی کنند ؟ آیا کسی نمی تواند برادر خود را طوری ببیند که در دین خداوندی إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ ﴿الحجرات‏، ۱۰﴾ آمده و به واسطه ی اتحاد سدی را درست کنند تا که خود را از این سیل هایی که آنان را از هر طرفی فرا گرفته به کنار نگه دارند.

هان که این لحظه ی اتفاق است . این فرصت اتحاد است . زمان ،فرصت هایی را به اختیار شما می گذارد . و این برای شما غنیمت است که سهل انگاری نکنید . گریه مرده را زنده نمی کند و تأسف ، مافات را باز نمی گرداند و غم ، مصیبتی را دفع نمی کند . کار کلید پیروزی و صدق و اخلاص ، نردبان رستگاری است و ترس اجل را نزدیک می کند و نا امیدی و پست همتی ،از اسباب هلاکت است .وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُکُمْ بِمَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ‌ ﴿التوبة، ۱۰۵﴾ و از آن مردمی نباشید که چون خداوند بر انگیختن آنها را نمی پسندید ،آنان را به تأخیر وا داشت و گفته شد که با بازنشتگان بنشینید. رَضُوابِأَنْ يَکُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَ طُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لاَ يَفْقَهُونَ‌ ﴿التوبة، ۸۷﴾ قرآن زنده است ونمی میرد و کسی را که قرآن ستایش کند ستوده است و کسی را هم که خشم کند ،مطرود است . کتاب خدا منسوخ نشده است به آن باز گردید . وآن را در احوال و اخلاق خود حاکم بسازید . وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ‌ ﴿البقرة، ۷۴﴾ آروز داریم اولین ندایی که به وحدت بلند می گردد ، از مردم بلند مرتبه صادر گردد و در این شک نداریم که علما عامل ید طولانی در این عمل شریف دارند و خداوند کسی را که بخواهد ،هدایت می کند اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ﴿البقرة، ۲۱۳﴾ و کار از آغاز تا انجام بدست خداست . بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعاً ﴿الرعد، ۳۱﴾

اعتقاد به دموکراسی و مبارزه با استبداد شاهان قاجار

 سید جمال الدین در تمام مجلس ها و محفل ها به کردار و رفتار ناصر الدین شاه قاجار انتقاد می نمود و برای تنبه او و حکومتش یاد مرگ و اجل را به گوشزد می کرد از جمله می گفت باور نمایید که اجل بهترین پاسبانها است. و بعد به این آیه شریفه استناد می کردند فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لاَ يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لاَ يَسْتَقْدِمُونَ‌ ﴿الأعراف‏، ۳۴﴾.

سید در تبیین آیه ۶۲ سوره الاحزاب سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلاً ، به برقراری حکومت دموکراسی در جامعه و جلوگیری از فرمانروایی حکومت مطلقه اشاره می کند و می گوید:دنیای غرب و تقسیمات کنونی آن را با دقت نگاه کنید که چگونه به وسیله ی امتیازات ملی استقلال پیدا کرد،به تناسب دانایی در آنجا مساوات برقرار شد ،مهمترین مساواتشان آشنایی به وظایف و معرفت به طرز مطالبه ی آن است که برای تحصیل و شناسایی وظایف خود علاقه و جدیتی دارند،یک فرد از حیث قدرت هم نمی تواند به آنان حکومت کند،ملت هم تمایل به سلطنت استبدادی نشان نمی دهد. در دنیای بشریت تدریجاًحکومت فردی بنا به مقتضیات فطری از بین می رود . امروز اروپاییان از نظر حفظ موقعیت حکومت هایی دارند و تابع شورایی می باشند . هر ملتی هم که در پناه امنیت باشد ،از قدرت و سایر امتیازات استفاده می برد ،باز هم به اراده ی ملت متّکی هستند و معتقدند که ملت مافوق همه است این معنی هم نه از راه غلبه و نه تقلید کورکورانه و تشبیه است،بلکه تنها تفاوت امتیازات از حیث فضایل می باشد وسایل ترقی نیز در سایه ی آن آماده می گردد . خلاصه کلام ، حکومت با عقل و دانش است .

۳-۳- مقابله با تفکرات الحادی و ماتریالیستی (ماده گرایی)

یکی از مسایل جهان اسلام در دوران سید جمال الدین اسدآبادی یعنی دوران مدرنیسم ،گسترش اندیشه های الحادی و مادی گرایانه بود. سید در خطابه های خود تلاش می کرد با استفاده از آیات قرآن با این مکاتب مبارزه کند.

سید جمال الدین می گوید ؛ بی اعتقادی به جز خلل و فساد در مدنیت و از بین بردن امنیت اجتماعی هیج نتیجه دیگری نداده است اگر بی اعتقادی موجب ترقیات تمدن باشد ،می بایست که عربهای زمان جاهلیت در تمدن گوی سبقت را ربوده باشند ، زیرا بیشتر ایشان ره سپر طریقه ی دهر بودند و و در نهایت بی اعتقادی قرار داشتند چنان که می گفتند : مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ‌ ﴿يس‏، ۷۸﴾« چه كسى اين استخوانها را كه چنين پوسيده است زندگى مى‏بخشد ؟ وَ قَالُوا مَا هِيَ إِلاَّ حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يُهْلِکُنَا إِلاَّ الدَّهْرُ ﴿الجاثية، ۲۴﴾و گفتند : « غير از زندگانى دنياى ما [ چيز ديگرى ] نيست ; مى‏ميريم و زنده مى‏شويم ، و ما را جز طبيعت هلاك نمى‏كند . » .

**تأثیر گفتمان فهم و تفسیر عصری قرآن بر بافت تاریخی**

## مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری و پیروزی آنها

گفتمان سید جمال الدین اسدآبادی تأثیر غیر قابل انکاری بر حیات مسلمانان در جهان اسلام گذاشت . در سراسر سرزمین های اسلامی جنبش های استقلال طلبانه یا ضد استبدادی بوقوع پیوست که به ظاهر پیروز شدند و از یوغ استعمار غرب در آمدند.

* پیدایی رویکردهای نوین تفسیری: گفتمان فهم و تفسیر عصری با تلاش شاگردان سید به مثابه پارادایم غالب در آمده و امروز شاهد آن هستیم که سنّتی ترین انواع نگاشته های تفسیری نیز از گفتمان سید پیروی می کنند.در پی حرکت سید جمال اسدآبادی و ایده کاربست دانش های نوین رویکردهای مختلفی در تفسیر بوجود آمد که به قرار ذیل هستند:
* **رویکرد قرآن بسندگی**
* **رویکردعقل گرایانه (رویکرد غالب)**
* **رویکرداجتماعی**
* **رویکرد علمی گرایانه**
* **رویکردتاریخی –فرهنگی**
* **رویکردادبی و زبانی (نوین(**

خانم جزایری ضمن تشکر و امانتداری در زمان از سرکار خانم دکتر فتاحی زاده خواستند تا نقد خود را بیان فرمایند.

خانم دکتر فتاحی زاده ضمن تشکر از خانم دکتر پارسا بدلیل مطالب ارزشمند، اشاره کردند به ارزشمند بودن موضوع نشست و روز آمد بودن آن اینکه می‌تواند اندیشه اجتماعی بخصوص کسانی که درعرصه قرآن و حدیث کار می کنند در واقع سوق بدهد به سمت اینگونه مباحث و خاصیت موضوعی که انتخاب شده بود در حقیقت یک موضوع روزآمد و کارآمد مفید باشد و اینکه پرداختند به مقتضیات عصری و تاریخی که حاکم بوده و شناخت پس زمینه ها و زمینه های تاریخی و به خوبی از عهده آن بر آمده اند. از طرفی در بخش خاص که ارائه موضوع خانم دکتر پارسا بود خیلی اطلاعات جدی نداریم نمونه های که خانم دکتر اشاره کردند در واقع در بخش رویکرد سید جمالدین اسدابادی با رویکرد اجتماعی و یک سلسله مسائلی بود که واقعا همین مقدار و بیشتر از این موارد را از سید جمال در اختیار نداریم.

سید جمال الدین اسدابادی مجال پرداختن به تفسیر را نداشته و اساسا با توجه به دغدغه های که داشته وبا توجه به شرایط عصری که توجه کرده یک اصلاح گری است که در حقیقت با سفرهای متعدد و تلاشهای فراوان سعی دارد جریان مسلمانها را وحدت بخشد و آنها را از جهل و نادانی که در واقع دغدغه اصلی ایشان بود خارج کند. شاید به معنای دقیق کلمه ما نتوانیم سید جمال را به عنوان آغاز گر تفکر انتقادی و گفتمان انتقادی در نظر بگیریم. اما آغاز گری که حتما لازم است در شاگردان معرفی کردیم ابوالعلا مویدی با آثار متعددی که دارد تفسیر سوره و تفسیر فهم متفاوتی که اشاره کرده یا عبد ارحمن کواکبی همینطور محمد عبدو . تحلیل انتقادی در شاگردان سید جمال خیلی قویتر مستند تر و علمی تر است اگر که دنبال شود و تکمیل شود در واقع مبحثی که خانم دکتر در واقع زحمت کشیدند این به عنوان یک پیشنهاد با توجه به محتوای خانم دکتر اشاره کردند به این نتیجه رسیدم و شاید به نظر من امد که کاش مسئله بازگشت به قران را و رفع محکومیت از قران را نه به عنوان یک شاخصه مطرح باشد بلکه به عنوان یک مبنا در نظر گرفته شود. بازگشت به قران مبنای فکری سید جمالدین اسدابادی است لذا وقتی میخواهد بپردازد به مبارزه با استعمار وقتی میخواهد مسائل مختلف را از وحدت مسلمانان گرفته از اینکه نگاه به قرآن متفاوت کنید همه اینها بر مبنای تعالیم قرانی است لذا جریان بازگشت به قران به عنوان پایه و اساس اصلاح گری سید جمالدین اسد ابادی مطرح بشود. با نمونه های که از سید جمال در واقع ارائه شد باز در ذهنم این تقویت شد که کاش این مجموعه و یک استاد و شاگردی را با هم ببینیم و حرفی برای گفتن داشته باشیم و اینکه کاربست دانش های قرآن در واقع چگونه بوده است. ایشان در راه اندازی و جریان سازی این اندیشه قطعا موثر بوده اما شاید در تحلیل و تبین های ما کافی نباشد . به نظرم میاد که سید جمال که همانطور هم که خانم دکتر هم تایید کردند در واقع توجه می کند به مقتضیات عصری شرایط تاریخی و اجتماعی و سیاسی و چقدر خوب است که به این مسئله توجه شود که سید جمال در واقع یک انسان دغدغه مند نسبت به مسائل اجتماعی مسلمانان است در نوع نگاهش و نوع تحلیلش و نوع اندیشه ای که دارد شاید تعبیر نوع اندیشه اعتدالالی به جا و مناسب باشد من شاهدی بر این مطلب دارم که سید احمد خان هندی یکی از معاصران دوره سید جمالدین اسدآبادی می باشد. خوب تفسیر قرآن را می نویسد و تفسیر الهدی که یکی از مبانی تفسیری که چون احساس می کند. این قدر دستاوردهای بشری و علوم تجربی حرفی برای گفتن داشته باشند و جوامع غربی رو به پیش بردند که شاید اگر جوامع اسلامی بخواهند از این دستاوردها نجات پیدا کنند شاید یک راهش هم این است که بیایند دست به اصلاح گری بزنند و در ارتباط با مسائلی که شاید در زمینه های علمی بشود در مورد ان جستجو کرد تلاش خیلی زیادی می کنند. مهمترین تلاشش در قسمت بیان معجزات و انبیاء است سید احمد خان تلاش می کند تماما با معیارهای علوم تجربی و دستاوردهای بشری انها را توجیه کند و یکی از عصبانیتهای سید جمال از احمدخان هندی همین است که چرا شما اینقدر در ارتباط با تفسیر دین، فهم دین یکسره داری قضاوت میکنی که با دستاوردهای بشری در تعارض است. در واقع دین را به عنوان دستاوردهای بشری بدانند. شاید توجه به این نکته بتواند موضوع مارا و موضوع جایگاه حقیقی سید جمالدین اسدآبادی برای ما را بهتر به تفسیر بکشد خوب جریان نوع اندیشی و جریانی که باید کاری کرد و باید اصلاحی انجام داد واقعا شرایط مسلمانها در جهان اسلام قابل تحمل نبوده و این خیلیها را به فکر انداخته. اما نکته دیگر بخش منطق بازگشت به آن دوران است که سید جمالدین اسدابادی به عنوان یک مبنا ی فکری بحث رجوع قران را مطرح می کندو بعد منطق بازگشت به قران و منطق خودش را بر دو مولفه پایه‌ریزی می کند یکی بحث اعتقاد به اینکه کتاب هدایتی برای تمامی اعصار است و در واقع یک عنصر پایا و جاودانه است و نکته دیگر اینکه ضمانت می کند نجات بخشی مسلمانها را در پرتو تبعیت از قران فکر کنم اگه این دو مؤلفه را به این دو قالب ببینند در واقع مناسب باشد .در پایان برای ایشان ارزوی موفقیت دارم سلامت باشید .

مدیر علمی ضمن تشکر و قدردانی از خانم دکتر فتاحی زاده که موجز مطالب را بیان نمودند از خانم دکتر پارسا خواستند تا پاسخ خود را به نقد خانم دکتر فتاحی ارائه نمایند.

خانم دکتر پارساضمن تشکر از خانم دکتر فتاحی زاده اینکه کمک کردند به روشن شدن بحث و تاکید کردند که اگر سید جمال اصلاح گر هست اصلاح گریش مبتنی بر آموزه های قرانی است یعنی اگر کار سیاسی کرده و اگر اجتماعی کرده همه کارهاش مبتنی بر آموزهای قرانیاست. من توجه ام جلب شد به اینکه بگویم در واقع سید جمال پایه گذار گفتمان تفسیر عصری است این بود که ما همه جا اسم عبدو را داشتیم در واقع هر موقع ما اسم تفاسیر قرن چهارده را می دیدیم تفاسیر شیخ محمد عبدو مطرح بود در واقع شیخ محمد عبدو حرکت خیلی خاصی در جامعه و گفتمان اسلامی نکرده حتی تا آن حدی هم که شاگرد سید بوده فقط یک بخشها یی از دیدگاه سید را در اثارش دارد یکی از مهمترین ایده های سید بحث اتحاد جهان اسلامی است. اینکه تفرقه بین شیعه و سنی نباشد و تعصب را از بین ببریم در حالیکه شما می‌بینید خود همان عبدو شیعیان رو مورد نقد قرار داده در مسائل سیاسی. مبحث اصلی من خود سید است که بازگشت قران به گفتمان یا همانیکه مبتنی بر عقل گرایی یا همانیکه کاربست دانش های نوین که مبتنی بر تفسیرهای قران است ان را سید مطرح کرد سید بود که اول ایه ما إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ این یعنی انقلاب این یعنی تشویق شما برای فعالیت سیاسی تا قبل از سید چه کسی از این ایه به عنوان انقلاب مطرح کرده بحث حریت سید اولین نفری بود که ایه قران را خواند و ان را مطابقت داد با بحث حریت که منظور خدای تعالی منظورش ازادی و منظور عدالت این است و پس از سید بود که در رساله های عصر مشروطه از گفتمانی سید ایجاد کرد استفاده شد همین ایه که ما الان صحبت کردیم سوره ال عمران ایه ۱۸ بررسی کردم که در مجمع البیان کافران و یهودیان هستند تفسیر صافی می‌گویند غیر مسلمانها هستند اولین کسی که ان را به استعمارگر روس و انگلیس مطرح کرد سید جمال بوده در عروه الوثقی بعد از ایشان هست که محمد جواد مقنیه یا مغنیه می اید این یعنی اسرائیل. شما ببینید این تاثیری گفتمان تاریخی می گذارد این که بعد از سید جمال همه کارهای تفسیری که انجام شده تلاش می کنند که آیات قران رو مبتنی بر مسائل روزترجمه و تفسیر کنند و میبینیم که در تفسیر الکاشف بطاعه من دونه را می گویند اسرائیل همچین بحثی را ما هیچ وقت نداشتیم مثلا مرحوم نائینی براساس سوره نحل ایه ۳۳ اینجا سید اینگونه توضیح میدهد بله اگه ملت خودشون تحت استبداد نروند و خودشون به خودشون ظلم نکنند کسی نمی تواند به انها ظلم کند اینجا بحث ظلم را به معنی استبداد تفسیر کرده بر اساس همین نگاه سید هست که مرحوم نائینی آیه ۱۱۳ که ظلم را به مستبدان ترجمه و تفسیر میکند مثلا این بحث نابودی ستمگر باز بحثی هست که سید قبلا گفته و در جاهای دیگه که این مسائل مطرح می شود همانطور که خانم دکتر فتاحی زاده گفتند بحث عقل گرایی و علم گرایی یا کاربست دانشهای نوین بحثهایی بوده که خیلی اهمیت داشته ما می بینیم که اولین کسی که این کاربست دانشهای نوین رو مطرح می کند خود سید جمال بود و بعدا از او دیگران این کار را انجام دادند .

دبیر علمی ضمن سپاسگذاری از خانم دکتر پارسااز جناب اقای دکتر قاسم پور خواستند تا مطالب نقد خود را مطرح نمایند .

دکتر قاسم پور ابتدا ضمن سپاس از خانم دکتر پارسا به دلیل انتخاب مسئله روز بیان کردند از این نظر که جهان اسلام و جریان تقسیم پژوهی با ان مواجه هست انتخاب این موضوع بررسی و تحلیلش و بعد نقد انها است که جای تشکر دارد . ایشان موضوع را معطوف کردند به دیدگاههای تفسیری و قرانی سید جمال الدین اسد ابادی به هر حال قابل انکار نیست که سید جمال مردی متفکر و مصلح و بلند همت و شجاع ومناظره گر است. اگرچه در این زمینه دیدگاههای خیلی از افرادرا می بینیم که از خود ارنست رنان که یک نویسنده مشهور فرانسوی است یک عبارتی در مورد ایشان گرفته تا شیخ محمد عبدو تا کسانی دیگری که در این زمینه است مثلا عبدو ایشان را در اینطور معرفی می کند مردی بلند همت و قوی اراده بود که اماده بود اعمالی رو متعهد و متصدی شود که نیازمند شجاعت و گذشت بود همانطور که فرمودند ما خیلی عالم داشتیم در جهان اسلام که در واقع سید جمال از این نظر که سنشان به ۱۸سالگی نرسیده بودند مجتهد بودند از منظر یک عالم بزرگ مثل میرزای شیرازی هم نبوغ خاصی داشت و هم شجاعت و گذشت خاصی داشت یا مثلا ارنست رنان در جایی از سید این تعابیر را به کار میبرد ازادی اندیشه او منش او به گونه ای بود که ما در اسنای محاورات خود فکر کردیم ابوعلی سینا و ابن رشد و یا میراث دانشورانی در قرن پنجم عرضه می کنند. شخصیت متعالی و جذاب سید در این حد و اندازه بود همانطور که فرمودند سید در زمان خاصی زندگی می کرد یک فلش بکی بزنیم به دورانی که ناپلئون حمله می کند به مصر و مردم در واقع با یک وضعیت جدیدی مواجه می شوند به تعبیر یکی از نویسندگان که می گوید این حمله خیری بود در لباس شر یعنی اگر هیچ فایده نداشت ولی مسلمانهارا تشویق کرد که به خودشون بیایند و فهمیدند که این تفکر سنتی دیگر جواب گو نیست بایستی فکری کنند که بعد از ان بود که مبارزات شروع شد ما همچین شخصیتی را داریم تحلیل می کنیم .یک نکته همکارم خانم دکتر فتاحی زاده به درستی گفتند که متاسفانه در مورد سید جمال یک کتاب تفسیری کامل نداریم این مشکلی است که خیلی از متفکرین دیگر هم دارند وقتی با نوگرایان ونومعتزلیان مواجه میشویم مثلا نصرابوزید یا امین خولی که به هرحال نامش گره خورده با مکتب ادبی همان مشکل را داریم یک سری نظریاتی را دیدند وقتی درواقع این نظریه را به محک بگذاریم به سنجش و ارزیابی قرار بدهیم در واقع دستمان خالی است. خانم دکتر زحمت کشیدند بر اساس مقاله‌ای که در دست ما قرار گرفته و فرمودند و در سخنرانیشان اشاره کردند در موضوعهای مختلفی در بحث از مالکیت و بحث حقوق زن در مسئله مشورت که یک جوری مسئله مشروطه را مطرح کردند اینجا مجالی نبود که به ان بپردازند با استناد به ایات قرانی بود که بیشتر شخصیت سید جمال الدین را به عنوان یک مبارز و یک فرد دردمند و مناظره گر درواقع در ان مقطع خاص زمانی می رساند. شاید هم انتظار نداشیم همانطور که فرمودند و یا اگر کسی دیگری هم که در جای او بود فرق می کرد که حتی شخصیت خود عبدو هم با او متفاوت است اشاره فرمودند که عبدو خیلی تبعیت نکرده حالا یک فردی فضل و علم را توضیح می داد که فضل و علم عبدو از سید جمال خیلی بالاتر بود شاید به این دلیل بوده که عبدو فرصت زیادکه کارهای فلسفی زیادی را انجام داده و سید جمال با توجه به موقعیتش از این کشور به ان کشور در پی اتحاد مسلمانان بوده شاید این مجال برایش نبوده این در واقع نکته مهمی بوده شاید شرایط برایش نبوده یک تفسیر مهمی را ارائه بدهد من میخواهم نکته‌ای اینجا مطرح کنم خانم دکتر در مطالبشان نظریه ای را به عنوان دریافت اشاره کردند که درمورد ان صحبت نشد من سوالی که دارم نظریه دریافت و نسبت ان با هرمنوتیک چیست نکته هایی اشاره کردند یک مشابهت ها و هم پوشانیهای بسیاری با نظریه هرمنوتیک دارند گرچه خود خانم دکتر هم بیان کردند که مصداقی از هرمنوتیک هست به نظر من کسی که به بحث هرمنوتیک آگهی داشته باشد در واقع از قرن ۱۷و ۱۸ ریشه های این بحث مطرح می شود تا بعدها که کسانی مثل شلایر ماخر یا گادامر می ایند تحولاتی دارند ایا می شود این همانی را بین این دو نظریه مطرح کرد یا نه این خوب مهم است در حالیکه بحثی که ما در اینجا داریم بحث نظریه هست نظریه تعریف دارد به نظرمن وقتی ما در مورد مکتبهای تفسیر یا نظریه تفسیری صحبت می کنیم شامل سه عنصر و سه مؤلفه مهم هست یک عنصر مبانی دومی بحث روش که از روی مبنا بر می خیزد و دیگری بحث رویکرد. من معتقدیم بیشتر این مطالب جنبه رویکرد تفسیری دارد مگر اینکه یک مبانی برای سید جمال در نظر بگیریم که یک بازگشت به قران هست که چرا درواقع ایشان در ان روزگار به این مطلب پرداخت مبنای سید جمال الدین دراین زمینه چه بوده و اما سوالی که وجود دارد عناصر و مولف های نظریه دریافت چه هست و بر کدام مبانی استوار است. به هرحال این نکته مهمی است که در واقع ما باید جای ان را پر کنیم و بگویم این مسئله سید جمال الدین اسد ابادی یک مبانی تفسیری داشته و این مبانی تفسیری یک روشی در نمونه های زیادی بدست اوردیم یا اگر نیست بیشتر تمرکز کنیم به رویکرد تفسیری که سه تا مولفه و سه تا عنصر مهم دارد که یکی بحث مخاطبانش و یکی بحث تخصص و یکی بحث شبهاتی که روزگاری مطرح بوده سید جمال یک فرد متخصص است مراتب علمی و فقهی او که قابل انکار نیست یک مجتهد طراز نوین در ان روزگار که میرزای شیرازی اجتهاد ایشان را مورد تایید قرار می دهد بحثهای فلسفی داشته وقتی روزنامه عروه الوثقی را در فرانسه چاپ می کند. حالا اگه ما بیشتر روی این موضوع مطالعه کنیم می فهمیم که این بحثها بیشتر فلسفی بوده یا مثلا انتقادهای شدیدی که بر علیه مارکسیسم و یا ماتریالیسم دارد آدم فیلسوف و متخصصی بوده عامل دوم رویکرد بحث مخاطبان همانطور که گفتیم به تفسیر عصری اقتضا می کرده در تفسیر عصری مفسر یک سری الزاماتی دارد یعنی باعث می شود که مفسر به سمتی برود که نیازهای مخاطبان را پاسخ بدهد یا شبهاتی که مطرح بوده این سه مسئله باید در این نظریه بیشتر دیده شود . یک نکته ما فکر می کردیم این بیشتر ملاک در حالیکه در سخنرانی خانم دکتر جامع تر و انسجام بهتری داشت که تفسیر عصری تعاریف متفاوتی دارد آیا ما می توانیم تفسیر عصری را تفسیر تجربی بدانیم تفسیر جنابعالی با استفاده از دانش های نوین برخی از کسانی که در این زمینه نفوذ پیدا کردند این مسئله را متذکر شدند که تفسیر عصری همان تفسیر تجربی است که یکی از مخالفین این تفسیر خانم بنطوش شاطی برای اینکه نمی خواهد این برابری را بپذیرد یکی از مخالفین تفسیر علمی در یک جاهایی خود سید جمال الدین اسد ابادی است ما نمی توانیم انتقادهای صریحی که سید جمال به احمد هندی میدهد را منکر شویم بهر حال سید احمد خان هندی می خواهد از دستاوردهای تجربی خیلی استفاده کند و مخالفتهایی را از این زوایه برای خودش در نظر گرفته به هر حال این تفسیر عصری با تعاریفش و نسبت ان با تعاریف سید جمالدین اسد ابادی باید در این زمینه تقویت شود یکه نکته دیگری که خانم دکتر به ان اشاره داشتند خیلی هم تاکید می کنند اینکه همواره میفرمایند اولین بار بود که ایه شریفه إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ این اگه واقعا اینجوری باشد باید دست مریزادگفت. این ما یعنی نعمت ها یعنی خداوند این نعمت ها را تا خودشان از دست ندهند عوض نمی کند اگر مارو مطلقتر ببینم یکی از انها می تواند بحث سرنوشت باشد که واقعا در تفسیرهای گذشته این نبوده اصلا این یک سوال که در تفسیر های گذشته این نبوده .جمع بندی مسئله نظریه خودش یک سری متغیر ها و مولفه های دارد معلوم شود و اگر بحث تفسیر عصری سید جمال با دیدگاه مخالفینش در تفسیر عصری و جایگاه خود سید جمال و نظریه اش با این تایید شود می تواند خیلی کارا باشد.

دبیر علمی ضمن تشکر از آقای دکتر قاسم پوراز خانم دکترخواستند در بخش پایانی موضوع پاسخهای خدمت اقای دکتر ارائه دهند .

خانم دکتر پارسابیان کردند بحثهای آقای دکتر در تکمیل صحبتهای من بود اما اینکه چقدر اوضاع از صدو بیست سال پیش تغییر کرده چقد مارفتیم جلو و چقد انها امده اند عقب داستان ارنست رنان با توضیحی که شما دادید داستان از اونجا بود ارنست رنان درمقاله ای شروع کرده بود علیه مسلمانان صحبت کردن و مسلمانان را به توحش متهم کرده بوده که اینها چقدر عقب افتاده اند چقدر اینها غیر متمدن هستند دقیقا در زمانی هست که چند تا کشور مسلمان الجزایر مراکش تونس همه مستعمره فرانسه بودند ارنست رنان حمله می کند به مسلمانها بعد حمله میکند به اسلام و میگوید اسلام همین است این اعراب بدوی هیچ وقت در عمرشان تمدن نداشتند و یک عده ادمهای وحشی هستند که تمدن پذیر نیستند اینها یک عده ادمهایی هستند که نه فلسفه میدانند حالا بخشی از این مسلمانها ایرانیها هستند که از ما تعریف کرده بود که ایرانیها نه بخاطر مسلمان بودند بلکه بخاطر تمدنی که دارند اینها اریایی بودند و از دوره ساسانیان و در همون موقع بود که سید جمال خونش به جوش میاد و علیه ارنست رنان یک مقاله ای می‌نویسد و انجا تاکید میکند که خوب راست میگوید شاید هم ما از اون دایره تمدنی که شما میگویید به دور هستیم در واقع یک منطق جدلی را انتخاب میکند برای مقابله با ارنست رنان و بعد شروع میکند درمورد آموزه های اسلام صحبت میکند به گونه ای که توجه ارنست رنان جلب میشود و سید جمال را دعوت میکند بعد متوجه میشود که چقدر سید آشنایی دارد با علوم روز از جمله فلسفه و اینهارا میشناسد. تعظیم و تکریم ارنست رنان به سید جمال نه از ان جهت بوده که او را بزرگ میدانسته بلکه او به عنوان یک فرانسوی بر این بوده که مسلمانها قابل هیچ حقی نیستند مثلا یک سازمانی مثل سازمان مجاهدین خلق اسلام که چقدر کشتار در کشور ما انجام داده او به طور شاخص دارد در ان کشور زندگی میکند انواع حمایتهای مالی و سیاسی می شود بعد یکی از دیپلماتهای کشور مارا به اتهام اینکه شما می خواستید بر علیه اینها کار کنید مورد تعقیب قرار گرفته و من تصور می کنم که اگر این فرد را دستگیر کنند کلی شکنجه خواهد شد و می گویند که تحویل اسرائیل می دهیم بنابراین بنده به این مسئله که ارنست رنان از سید خیلی تکریم کرده خیلی خوشحال نیستم مسئله ای دیگر که خانم دکتر فتاحی زاده فرمودند مامورد قرانی از سید جمال نداریم در واقع همون چیزهای که شنیدیم که سید جمال رهبر جنبش سیاسی بوده اصلاح گر بوده ولی واقعا اینطور نیست که سید کار مکتوب نداشته باشد در روزنامه عروه الوثقی تقریبا ۱۸تا مقاله نوشته چندتا رساله دارد حتی یک رساله با عنوان حمله القران که به طور خاص مفسران قران را مورد عنایت قرار داده و راجع به ان صحبت کرده یک مجموعه کتابهایی هست مثلا با عنوان مقاله جمالیه که مقالات سید جمال را جمع اوری کردند و مقالاتی راجب به مقابله ماتریالیسم دارد که لکچر در رد لیچریه که زبانی را هم که استفاده میکرده انگار یک زبان بین مللی بوده که هیچ ما نمی‌گویم لکچر میگویم لیچریه که برای تعبیر از مادیون از اینها استفاده می کنیم ومقالاتی در روزنامه ها دارد باز می گویم مجموعه مقالاتی هست که بعضی از فامیلهای سید انرا جمع اوری کردند .آیا واقعا ان چیزی که از یک عالم باقی میماند فقط منبع مکتوب است؟ مثلا شخص امام خمینی با توجه به همه کارهای که انجام دادند کارهای ایشان را فقط محصور و منحصر در کتابهای فقهی او بدانیم مثلا در کارهای تفسیری ایشان بگوییم که ایشان یک دوره کار تفسیر مثلا تفسیر حمد می نوشتند به نظرم این یک مقدار جفا باشد در حق بزرگان در واقع تربیت یک سری شاگردان و همین ایده که من مطرح کردم همین گفتمانی که مطرح شد و ما امروز این گفتمان را گذاشتیم گفتمان عصری. تعریفی که اول برای گفتمان ارائه دادم گفتمان یک چیزی نیست که یعنی یک حرف گفته شده در واقع زبان خودش را در فعالیتهای اجتماعی خودش نشان میدهد بنده با این تتبع که کردم و نمونه هایی که نشان دادم این جنبش هایی که به نام قران اغاز شده اینها همه نشاگر این هستند یک ارتباطی بین سید و گفتمان وجود دارد بحثی را آقای دکتر مطرح کردند به نام نظریه، کاری که بنده انجام دادم مطالعه در مورد تفسیرهای که در دوره معاصر انجام شده و کار پژوهش من این است که یک تاریخ تفسیرشیعه بنویسم که از سده ده شروع کردم به تدوین این تفسیر و در سده چهارده به طوری خاصه. و کلا برای تفسیر های که برای قران نوشته شده بلاخره برای این تدوین تاریخ باید یک الگویی در دستش باشد وقتی ما تفسیر ها را نگاه میکنیم میبینیم اینها با هم تمایز دارند با توجه به همان ایه إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ که در سده شش مجمع البیان یک چیز مطرح میکند در سده ده فیض کاشانی یک چیز دیگر گفته در دوره بعد سید جمال یک نگاه دیگری داشته و امروز بسیاری از مفسران هستند که میگن این تفسیری که سید کرده اصلا اشتباه همان فرمایشی که جنابعالی گفته که اصلا ما نباید اینجوری ایه را تفسیر کنیم این تمایز ها به چه بر میگردد من شاید ابتدای عرایضم به این نکته اشاره کردم که در سنت تفسیر همیشه این بود که در متن جستجو می شد با یک سری دانشهای دنبال این بودند که این معنا را پیدا کنند ولی این هرمنوتیک قرانی که شاید از اوایل سده بیست مورد بحث قرار گرفته میخواهد بگوید که شرایط پیدایش فهم چگونه بوده فهمی مفسر انجام میدهد یعنی خواننده میرود در مواجه با متن می خواهد یک چیزی را دریافت کند که این هرمنوتیک دریافت یا نظریه دریافت که میخواهد بگوید وقتی خواننده یا مخاطب یا مفسر وقتی می خواهد به این متن نگاه کند از این دریافت میکند که فرایند این دریافت یا فهم چگونه اتفاق میافتد. براساس هرمنوتیک فلسفی من از شرایط تاریخی و اجتماعی و شرایط فرهنگی و پیش فرضهای ذهنی جدا نیستم و نمی توانم خودم را از این جدا کنم هرمنوتیک دریافت میگوید مفسر خودش تنهایی بدون لحاظ شرایط اجتماعی و فرهنگی تاریخی اصلا میسر نیست که ما به یک مفسر نگاه بکنیم و اون چیزی که در بررسی تاریخ تفسیر می خواستم به آن توجه بکنم که ما شرایط اجتماعی تاریخی فرهنگی و همه اون چیزهای که به یک مفسر مربوط هست را هم باید لحاظ کنیم تصور بنده این است که همین گفتمانی که سید مطرح کرده در واقع به یک نحوه نشان میدهد که تفسیر مفسر جدای از شرایط تاریخی و فرهنگی اجتماعی نیست اگر فیض کاشانی در سده ده یک ایه را تفسیر میکند که ما ان تفسیر را با تفسیر علامه طباطبایی از هم متمایز می بینیم به دلیل همون شرایط تاریخی و اجتماعی و پیش فرضهای که این دو مفسر داشتند در واقع در این دوره جدید به غیر از متن و مولف یک عنصر دیگر در این وسط هست خواننده یا مخاطب تاثیر پذیرفته از اجتماعی خودش این نظریه تفسیر که مبتنی بر نظریه هرمنوتیک احتمالا با اون دیدگاههای سنتی که ما با ان تفسیر داریم مغایرت دارد در واقع ما معتقد هستیم معنای هر ایه کلام الهی یک معنای متغیر داشته که در هرزمان به یک جور از آن معنا پیدا می کنیم که این نظریه هرمنوتیک به یک نحوی نسبی گرایی را در معنا ی مراد خدای تعالی به ما القا پیدا میکند ولی من وارد این حوزه نشدم.منظور درست بودن کدام تفسیر نیست بلکه منظور من در تفسیر سید این است فقط بیایم ایات قران را بررسی بکنیم شاید به چیز خاصی نرسیم شاید هیچ انگیزه ای به مسلمانها ندهد شاید هیچ ارمانی برایشان ایجاد نکند ولی اگر با مسائل و دانش جدید بیایم قران تفسیر کنیم برای شان جالبتر است.

دبیر علمی ضمن تشکر از خانم دکتر پارسا از حاضرین محترم خواستند اگر سوالی هست بفرمایند.

یکی از حاضرین در ارتباط با سوال آقای دکتر قاسم زاده در باره ارتباط نسبت دریافت و هرمنوتیک که پاسخ داده نشد و اینکه فرمودید عبدو فعالیت نداشته ایشان رئیس اوقاف بوده هم زندان افتاده هم فعالیت های سیاسی اصلاح طلبانه داشته درباره اینکه اثاری ننوشته اند بله تفسیر عبدو را هم بیشتر شاگردانش نوشته اند خود افلاطون هم رساله های داشتند که هیچ کدوم خودشون ننوشته اند ولی درسنامه های استاد بوده است و در باره آیه إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ المیزان این تفسیر مبارزه و سیاسی و انقلابی را رد میکند برخلاف نظر اقای بازرگان طالقانی و دیگران.

سوال دیگری که حاضرین مطرح کردند برای امروز ما حائز اهمیت هست یا نه یا بیشتر برای دکتر شریعتی مهندس بازرگان یا برای اون دوره انقلابی گری بیشتر در واقع امروز بیشتر تمرکز داریم به بافت شرایط نزول امروز فکر نمی کنم این نگاه فرا زمانی و فرا مکانی است. اقای دکتر قاسم پور فرمودند در شرایط اجتماعی و فرهنگی زمان سید جمال این بوده که همچین تفسیر هایی نوشتند من خواستم مطرح کنم که برگردیم به زمان فیض کاشانی ،فیض کاشانی که تفسیر صافی رو می نویسد بلاخره درست است که وجه غالبش تفسیر رباعی بوده اما نمی توانیم نگاه او را نسبت به زمانش نادیده بگیریم یک جریانی است به نام اخباری گری گرچه فیض در اخباریان که جزو اخباریان معتدل گرچه ایشان به نوعی احیا گر میراث اهل بیت است یا برگردیم به زمان معتزلیها یعنی این شرایط فرهنگی و اجتماعی در خیلی جاهاست اما استفاده از علوم نوین در خیلی جاها نبوده یک قسمت بوده میخواستم به خانم دکتر بگم که ایا خانم دکتر موافق هستند با این قسمت؟

خانم دکتر پارسا در پاسخ عرض کردند که دوتا مقاله برای شما ارسال شده بود یکی در مورد نظریه دریافت بود و به بحث امروز هم مربوط نمیشود. نظریه دریافت یا هرمنوتیک دریافت تقریبا یک نظریه و دانش جدیدی در تفسیر علاوه برمتن درواقع معتقد هست خواننده هم در این تفسیر دخالت داره یعنی به جز متن مولف خواننده هم تاثیر داره در تفسیر فهم خواننده متکی برشرایط تاریخی و اجتماعی و اعتقادی هست این شاید بحثی که پیش از این هم ما به اون اعتقاد داشتیم همانطور که دکتر قاسم پور فرمودند تفسیر سده ششم فیض کاشانی با تفسیر فیضی که در سده دهم با جریان فکری اخباری گری زندگی می کرده باهم متفاوت است این نظریه دریافت یا هرمنوتیک دریافت به نقش خواننده و نقش مفسر در فهم متن تاکید و به اصطلاح توجه می کند و بحث سید جمال که دوستمان فرمودند چه ربطی به الان دارد ؟ درپاسخ آیا ما باید فهم عصری داشته باشیم از قران یا نباید داشته باشیم این گفتمان سید امروز هم شاید برای ما هست اگر ما بخواهیم عصری نگاه کنیم مسائل اصلی به قران مطرح کنیم یا منتظر باشیم به اینکه قران برای عصر نزول امده یا مخاطبان اولیه چی از قران می فهمیدند ما هم همون بفهمیم بالاتر از ان نرویم بنابراین گفتمان عصری از قران می تواند امروز هم مصداق داشته باشد.

خانم دکتر پارسا در اخرجمع بندی و نتیجه خود را بیان کردند اینکه حرکت سید گفتمان تبدیل به الگوواره غالب شده یعنی شما الان دیگر هیچ کار قرانی را نمی توانید ببینید که فهم و تفسیر عصری را نداشته باشد شما الان فرمودید که فقط مخصوص به کارهای شریعتی یا فقط مخصوص به بازرگان ولی افرادی که فوق العاده سنتی هم هستند مثلا اگر مجموعه المیزان رو هم نگاه کنید این مولفه های که ماگفتیم ببینید سید جمال گفت که بروید سراغ عقل گرایی کاربست دانش های نوین و حالا مثلا ضد خرافه توجه به امور اجتماعی شما این تفسیرهای که ماداریم حتی تفسیر های به شدت سنتی هم هستند علاوه بر رساله هایی که در عصر مشروطیت نوشته شده و بعد در دوره پهلوی اول ما چند رویکرد تاریخی اجتماعی و علمی و اصلا مجموعه کتابهای که به عنوان تفسیر علمی مثل جناب بازرگان بادو باران پراگماتیسم در اسلام این نگاه تفسیر علمی پیش از این نبود ولی الان هست و شما هر کار قرانی را که نگاه می کنید دانشهای نوین از علوم روز استفاده میکند یعنی این در واقع یک پاردایم غالب شده و شما هم نمی توانید در ذهن خودتان این طور تصور کنید یک حرفی راجع به قرآن زده شود که این نگاه در آن نباشد.

 در پایان خانم جزایری ضمن تشکر از حضور همه اساتید ،پایان جلسه را اعلام کردند.

جلسه در ساعت ۱۵:۰۰ به پایان رسید.

1. .همان ،ص 161-158. [↑](#footnote-ref-1)